رویش روان شناسی، سال۹ ، شماره ۱۰، شماره پیاپی ۵۵، دی ۱۳۹۹
Rooyesh-e-Ravanshenasi,9(10), 2021

تعیین نقش بنیان‌های اخلاقی و تحمل ناکامی در پیش بینی سازگاری زناشویی زنان متاهل

The role of ethical foundations and tolerance of failure in predicting marital adjustment of married women

معصومه بهبودی
استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.
ربابه رستمی
کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.
الهام جنقو(نویسنده مسئول)
کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

Masumeh Behboudi
Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Counseling, Islamic Azad University, Roodehen Branch, Roudehen, Iran.
Robabeh Rostami
M.A of Clinical psychology, Ardebil Branch, Islamic Azad University, Ardebil, Iran.
Elham Janghoo *
M.A of Counseling and Guidanc, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.
elhamtak22@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف تعیین نقش بنیان‌های اخلاقی و تحمل ناکامی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی زنان متاهل صورت گرفت. روش پژوهش توصیفی- از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه‌ی زنان متاهل مراجعه کننده به فرهنگسراهای شرق تهران در سال ۱۳۹۸ بودند که از بین آنان به روش نمونه‌گیری دردسترس و با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۱۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های بنیان‌های اخلاقی هایت و گرام (۲۰۰۷)، تحمل ناکامی هارینگتون (۲۰۰۵) و مقیاس تجدید نظر شده سازگاری دو نفره اسپینر (۱۹۷۶) استفاده شد. داده‌ها با استفاده با آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین بنیان‌های اخلاقی و تحمل ناکامی با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت ($p\leq ۰/۰۱$). نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بنیان‌های اخلاقی و تحمل ناکامی ۴۳ درصد توانایی پیش‌بینی سازگاری زناشویی را داشتند ($p\leq ۰/۰۱$). با توجه به یافته‌های پژوهش مدیران و مسئولان فرهنگسراها و مشاوران باید راهکارهایی را در جهت بهبود و ارتقاء سطح بنیان‌های اخلاقی و تحمل ناکامی زنان به عمل آورند و با برگزاری کارگاه‌های مختلف راهبردهای لازم جهت افزایش سازگاری زناشویی صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: *بنیان‌های اخلاقی، تحمل ناکامی، سازگاری زناشویی.*

Abstract

The present study aimed to determine the role of ethical foundations and tolerance of failure in predicting marital adjustment of married women. This research method was descriptive-correlational. The statistical population of the study included all married women referring to cultural centers in East Tehran in 2019, from which 210 people were selected as a sample by accessible sampling using the Morgan table. Data were collected using the Height and Gram (2007) Essentials Questionnaire, Harrington Failure Tolerance (2005), and revised dyadic adjustment scale spinner (1976). Data were analyzed using the Pearson correlation coefficient test and multiple regression analysis. The results showed that there was a significant relationship between ethical foundations and tolerance of failure with marital adjustment ($p\geq 0.01$). The results of regression analysis showed that the ethical foundations and tolerance of idol failure were 43% able to predict marital adjustment, respectively ($p\geq 0.01$). According to the research findings, managers and officials of cultural centers and consultants should take measures to improve and enhance the level of ethical foundations and tolerance of women's failure, and by holding various workshops, the necessary strategies to increase marital compatibility should be done.

Keywords: *moral foundations, marital adjustment.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : مرداد ۹۹** **پذیرش: شهریور ۹۹** **ویرایش نهایی : دی ۹۹**

مقدمه

امروزه خانواده بر اساس اصول و هنجارهایی ویژه شکل می‌گیرد و حفظ و ارتقای روابط خانوادگی از ارزشی بسیار برخوردار است. به همین دلیل، در سال‌های اخیر کوشش‌های بسیاری صورت گرفته تا ثبات و کیفیت روابط زناشویی را با استفاده از مفاهیمی چون سازگاری

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.10.12.3]

زناشویی، موفقیت، رضایت، ثبات، خوشبختی، توافق و مفاهیمی مشابه ارزیابی کنند (جعفرزاده‌داشبلاغ و همتی، ۱۳۹۷). با وجود اهمیت همگی مفاهیم ذکر شده، آنچه در ازدواج و یگانگی زن و مرد دارای نقشی بیشتر است، سازگاری زناشویی است (دارابی و همکاران، ۱۳۹۴). سازگاری زناشویی به عنوان یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر خانواده است و زندگی خانوادگی در جریان تعاملات روزمره زن و شوهر شکل می‌گیرد و همین تعاملات است که به زندگی خانوادگی معنا می‌بخشد و انتظارات اعضای خانواده را از یکدیگر مشخص می‌سازد (بنجامین و توماس[1]، ۲۰۲۰). اسپانیر[2] (۱۹۷۶) سازگاری زناشویی را فرایندی تعریف می‌کند که پیامدهای آن میزان اختلافات مشکل‌آفرین زوج‌ها، تنش‌های بین فردی، اضطراب فردی، رضایت زوجین از یکدیگر، انسجام و به هم پیوستگی آنها و همفکری در مورد مسائل مهم زناشویی مشخص می‌شود (گانگ[3]، ۲۰۰۰). بعلاوه سازگاری زناشویی شیوه‌ای است که افراد متاهل به طور فردی یا با یکدیگر، جهت تداوم ازدواج سازگار می‌شوند و یکی از مهمترین فاکتورها در تعیین ثبات و تداوم زندگی زناشویی است (خلیل‌بند، ۱۳۹۲). موندول[4] (۲۰۱۴) سازگاری زناشویی را یک فرایند تکاملی در رابطه بین زوجین می‌داند که به حالتی از تطابق در حوزه‌های مختلف زوجین که ممکن است در آنها تعارض وجود داشته باشد، اطلاق می‌شود.

سازگاری و ناسازگاری زناشویی تمام ابعاد زندگی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. سازگاری زناشویی زوجین احساس کفایت، توانایی انطباق و عملکرد تحصیلی فرزندان را افزایش می‌دهد. همچنین سازگاری زناشویی موجب افزایش عمر و امید به زندگانی زوجین و نیز کاهش احتمال ابتلای آنها به بیماری‌های جسمانی و روانی می‌گردد (زهراکار و لواف‌پورنوری، ۱۳۹۳). مطالعات نشان می‌دهد که سازگاری زناشویی به سازگاری کلی فرد کمک می‌کند؛ یعنی همسرانی که از سازگاری بالایی برخوردارند، عزت نفسی بیشتر دارند و در روابط اجتماعی سازگارترند. سازگاری زناشویی نتیجه فرایند زناشویی و شامل عواملی مانند ابراز محبت و عشق همسران، احترام متقابل، روابط جنسی، تشابه نگرش و چگونگی ارتباط و حل مساله است (هاستون و ملز[5]، ۲۰۰۴؛ درویزه و کهکی، ۱۳۸۷). مطلوبیت زندگی، خشنودی از آن، و کیفیت و میزان سازگاری زناشویی نیز مانند سازگاری زندگی مجردی از عواملی مختلف تاثیر می‌پذیرد که ارزیابی آنها در افراد و روابط‌شان بخشی از ادبیات مشاوره ازدواج و خانواده است.

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در سازگاری زناشویی، اخلاق[6] است. روانشناسی اخلاق از طریق بررسی اینکه چگونه حوزه‌های متنوع قضاوت اخلاقی توسط عوامل متنوع روانی شکل گرفته‌اند، واکنش نشان داده است (گیلفورد و آینگار[7]، ۲۰۱۵). از نگاه دیگر، هرگاه انسان در عرصه زندگی با تصمیم‌گیری مواجه می‌شود، معیارها و بنیان‌های اخلاقی می‌توانند تکیه‌گاه‌های نیرومندی برای تصمیمات نهایی اتخاذ شده باشند (موریس و مک‌دونالد، ۱۹۹۵؛ سیفی‌قوزلو و همکاران ۱۳۹۲). گراهام[8] و همکاران (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند که پنج اصل اخلاقی یعنی آسیب، انصاف، وفاداری به درون گروه، اقتدار و سرانجام تقدس سیستم‌های روانشناختی هستند که مردم را قادر می‌سازند تا رفتارها و کنش‌های صورت گرفته در محیط اجتماعی را به عنوان اموری قابل ستایش و یا سزاوار سرزنش ملاحظه کنند، اما این سیستم‌های روانشناختی به مانند ویژگی‌های شخصیتی نیستند که در سطح فردی اتفاق بیفتند. این سیستم‌های روانشناختی عمدتا معانی و فحوایی اخلاقی دارند که افراد مختلف در سراسر جهان از شکل‌های متفاوت آن برخوردار هستند. فرهنگ‌های متفاوت بر اساس مبانی و بنیان‌های منحصر به فرد خود به شیوه‌های متفاوت، زندگی اخلاقی خاص خود یعنی ارزش‌ها، هنجارها، فضایل، عادات، نهادها و حتی مذاهب را ایجاد می‌کنند. تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که اخلاق بر سازگاری زناشویی تاثیرگذار است. اورجیل و هیتون[9] (۲۰۱۵) همبستگی معناداری بین احترامی که یک زن از همسر خود دریافت می‌کرد و توانایی‌اش در ابراز عقیده‌اش در منزل و اتحاد زناشویی و در نتیجه سازگاری زناشویی نشان می‌داد و سطوح بالای سازگاری زناشویی در زنانی که به واسطه احترام همسران‌شان ازعزت نفس بالایی برخوردار بودند، یافته شد. عابدی و شاکردولق (۱۳۹۶) نیز، نشان داده‌اند که بین بنیان‌های اخلاقی در خرده مقیاس‌های اخلاق بر مبنای یادگیری و اخلاق بر مبنای تایید دیگران و در جهت‌گیری زندگی بین والدین سازگار و ناسازگار تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، سیفی‌قوزلو (۱۳۹۲) در تحقیق خود نشان داده است که رابطه مثبت و معناداری بین اخلاق و ارزش‌های شخصی وجود داشت. همچنین نتایج نشان داد که در

1 . Benjamin & Thomas
2 . Spanier
3 . Gong
4 . Mondol
5 . Huston & Melz
6 . Ethics
7 . Clifford & Iyengar
8 . Graham
9 . Orgil & Hitoon

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.10.12.3]

ابعاد اخلاقی (انصاف و مراقبت/آسیب)، بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود داشت. همچنین تفاوت معناداری بین مردان و زنان در رضایت زناشویی مشاهده شد. خادمی و همکاران (۱۳۸۸) معتقدند که بین تحول اخلاقی با سازش یافتگی جسمانی، خانوادگی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و ارتقاء سطح تحول اخلاقی یک عامل کلیدی در سازش یافتگی افراد است و موجب می‌شود که آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی کاهش یابد. آیین اسلام با التفات ویژه به روابط همسران، از دو ابزار نیرومند اصول اخلاقی و حقوقی مدد گرفته و به تنظیم و استحکام روابط میان آنها پرداخته است. از یک طرف با محور قرار دادن اصل معروف در تعاملات رفتاری میان زوجین و مصداق‌های آن یعنی اصول اخلاقی ارزشمند همچون دینداری، خوش اخلاقی، مودت و مهربانی، تکریم، وفاداری، تعاون، مدارا و سازگاری، صبر، گذشت و احسان؛ علقه‌های عاطفی و روحی میان زوجین را محکم‌تر می‌نماید و زمینه‌های صمیمیت و سازگاری را میان آنها ارتقاء می‌دهد (اخلاقی‌فرد، تاری‌مرادی، معراجی و جعفرزاده داشبلاغ، ۱۳۹۹).

علاوه براین زندگی زناشویی همواره با ناکامی‌های همراه است و وجود تحمل در برابر ناکامی‌ها می‌تواند به عنوان یکی از پیش‌بین‌های سازگاری زناشویی تلقی شود (لتیفسز[1] و همکاران، ۲۰۱۶). چنانچه نتایج مطالعه ماکولینسر و شاویر[2] (۲۰۱۸) موید این گفته است. ناکامی احساسی است که در نتیجه ایجاد مانع بر سر راه رسیدن به هدفی که فرد آن را مطلوب می‌شمارد، پدید می‌آید (رحیمی و افشاری‌نیا، ۱۳۹۶). از نظر روزنوایگ[3](۱۹۹۴) تحمل ناکامی قابلیت فرد برای مقاومت در برابر ناکامی است، بدون اینکه در سازگاری روان‌شناختی اشکالی ایجاد شود؛ یعنی بدون اینکه به شیوه‌های ناپسند رفتاری دست بزند. تحقیقات نشان داده است که ناکامی زمانی رخ می‌دهد که فرد در دستیابی به هدفی که انتظار رسیدن به آن را دارد با شکستی پیش‌بینی نشده مواجه می‌شود. ناکامی و دیگر اشکال عواطف منفی به عنوان مثال غم، افسردگی و تحریک‌پذیری به عنوان زمینه‌سازهای مشترک برای خشم و پرخاشگری مشاهده شده است که در نهایت در زوجین منجر به ناسازگاری زناشویی می‌شود (برکویتز[4]، ۲۰۱۲؛ عباسی و همکاران ۱۳۹۵). انصاری و حسن (۲۰۱۶) در پژوهشی با بررسی رابطه تحمل ناکامی با سازگاری زناشویی نشان‌داده‌اند که بین تحمل ناکامی با سازگاری زناشویی همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین گوئل[5] و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان داده‌اند که سازگاری زناشویی و تحمل ناکامی زنان ۴۷-۴۰ سال بیشتر از زنان ۵۵-۴۸ سال بوده است. انتظاری و همکاران (۱۳۹۴) نیز مقیاس رضایت زناشویی، کمالگرایی، تحمل ناکامی را عامل موثری در طلاق قلمداد کرده‌اند. بر این اساس افرادی که تحمل ناکامی کمی دارند، باورهای انعطاف‌ناپذیری دارند، غمگین هستند، غیرمنطقی بوده و در مقابل واقعیت بسیار ناپایدارند. افراد با آستانه تحمل بالا، افرادی منطقی و خوشحال و انعطاف‌پذیرند و در رفتار خود، خواهان دستیابی سریع به راه‌حل‌های عملی هستند. اینگونه افراد به راحتی و به سادگی با مشکلات کنار می‌آیند و در زمان کوتاهی بسیار سخت کار می‌کنند و برای رسیدن به اهداف بلند مدت تلاش می‌کنند.

در نهایت با توجه به شیوع بالای مشکلات زناشویی و به تبع آن افزایش معضل طلاق در کشور که هزینه‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره برای خانواده‌ها، دولت مردان و به خصوص فرزندان به بار می‌آورد، انجام مطالعاتی که بتواند به عنوان راهبردی برای کاهش این معضل باشد، بسیار حائز اهمیت است. به خصوص اینکه امروزه نقش بنیان‌های اخلاقی کمتر مورد توجه مطالعات و پژوهشگران بوده و خلاء پژوهشی در این خصوص نمایان است. بعلاوه این متغیر به عنوان یکی از متغیرهای مرتبط با فرهنگ و تعلیمات دینی کشور ما بوده و از اهمیت بسزایی برخوردار است. لذا با توجه به آنچه بیان شد پژوهش حاضر به تعیین نقش بنیان‌های اخلاقی و تحمل ناکامی در پیش بینی سازگاری زناشویی زنان متاهل پرداخت.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع بود. جامعه مورد مطالعه این پژوهش از تمام زنان متاهل مراجعه کننده به فرهنگ-سراهای شرق تهران در سال ۱۳۹۸ تشکیل شد که بر اساس آمار گرفته شد که تعداد کل آنان براساس گزارش معاونت فرهنگسراها ۳۶۷ نفر بود. تعداد نمونه مود مطالعه ۱۸۶ نفر بود که براساس جدول مورگان از بین جامعه آماری و به روش نمونه دردسترس نتخاب شدند. برای پیشگیری از افت آزمودنی حدود ده درصد به تعداد آزمودنی‌ها اضافه شد که در نهایت ۲۱۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

[1] . Latifses
[2] . Mikulincer & Shaver
[3] . Rozenvaigh
[4] . Berkowitz
[5] . Goel

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.10.12.3]

به منظور انتخاب نمونه‌های آماری ابتدا مناطق (۴ و ۱۳) به صورت تصادفی از بین مناطق شرق تهران انتخاب شدند و از مناطق انتخاب شده نیز فرهنگ‌سراهای (اشراق، صدف، حکیمیه، مهرآور، پنجم نیروی هوایی) به صورت تصادفی انتخاب شدند و از بین زنان متاهل مراجعه‌کننده به آنها به صورت تصادفی نمونه پژوهش انتخاب شدند. در این پژوهش در راستای انجام پرسشنامه و انجام هماهنگی با مدیران جهت همکاری با محقق و دعوت به همکاری و شرکت زنان مراجعه کننده به فرهنگ‌سراها به منظور اجرای پرسشنامه به این مراکز مراجعه شد. ملاک‌های ورود شامل موارد زیر بودند: دامنه سنی بین۲۰ تا ۵۰ سال (که در پژوهش حاضر میانگین سنی زنان مورد مطالعه ۳۱/۵۷ با انحراف معیار ۳/۴۹ بود)، متاهل بودن، سطح سواد بالاتر از سیکل، مراجعه به فرهنگسراها بیش از یکبار در هفته، داشتن بیش از دو سال سابقه زندگی مشترک، رضایت آگاهانه و داوطلبانه، بود. ملاک‌های خروج نیز عبارت بودند از: وجود بیماری‌های شدید جسمانی یا اختلالات شدید عصبی. بعد از انتخاب نمونه آماری و توضیح اهداف پژوهشی و نیز محرمانه بودن تمامی اطلاعات، پرسشنامه‌های پژوهشی تکثیر و در اختیار آنان قرار داده شد و پس از پاسخ دادن به معاونت فرهنگسراها تحویل داده شدند و در نهایت ۱۹۲ پرسشنامه عودت داده شد. سپس داده‌ها جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ و به روش آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی (MFQ[1]): هایت و گراهام (۲۰۰۷) برای اندازه‌گیری نگرانی‌های اخلاقی و نظر مردم در مورد اخلاق، به ایجاد تئوری بنیان‌های اخلاقی (MFI) و پرسشنامه مبانی اخلاق (MFQ) پرداختند. این پرسشنامه دارای ۳۰ عبارت است که ۵ بعد اخلاقی مراقبت، عدالت، وفاداری به گروه، احترام به مرجعیت و تقدس را مورد سنجش قرار می‌دهد. این مقیاس از دو بخش تشکیل شده است که سوال‌های بخش اول از عبارات ۱ تا ۱۶ به صورت یک مقیاس ۶ درجه‌ای از اصلا مهم نیست (۰) تا به شدت مهم است (۵) نمره‌گذاری می‌شود در این بخش سوال آیا فرد در ریاضی خوب است یا نه؟ نمره‌گذاری نمی‌شود. بخش دوم از عبارات ۱۷ تا ۳۲ به صورت یک مقیاس ۶ درجه‌ای به شدت مخالفم (۰) تا به شدت موافقم (۵) پاسخ داده می‌شود در این بخش سوال ۲۲ نمره‌گذاری نمی‌شود. هایت و گراهام (۲۰۰۷) پایایی آلفای کرونباخ آن را در خرده مقیاس‌های مراقبت و آسیب؛ انصاف و بی‌طرفی؛ وفاداری به گروه؛ احترام به مرجعیت، اخلاص و تقدس به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۳، ۰/۸۷، ۰/۹۰، ۰/۸۸ گزارش کردند. برای تعیین پایایی پرسشنامه به روش بازآزمایی، پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی به ۱۲۳ دانشجو در دانشگاه جنوبی با میانگین سنی ۲۰/۱ که ۶۹/۹٪ آن زن بودند داده شد. بعد از ۳۷/۴ روز (با دامنه ۲۸ تا ۴۳ روز) شرکت کنندگان برای دومین بار پرسشنامه را پر کردند. همبستگی پیرسون برای هر بعد عبارت از: ۰/۷۱ برای بعد مراقبت/آسیب، ۰/۶۸ برای بعد انصاف، ۰/۶۹ برای بعد وفاداری به گروه، ۰/۷۱ برای بعد احترام به مرجعیت، ۰/۸۲ برای بعد اخلاص است (هایت و گراهام، ۲۰۰۷). در ایران این مقیاس توسط نجات و حاتمی (۱۳۹۳) مورد روانسنجی قرار گرفته است. نجات و حاتمی (۱۳۹۸) روایی این مقیاس را براساس تحلسل عاملی برابر ۰/۳۷ گزارش کردند. بعلاوه پایایی این مقیاس را براساس ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس مراقبت/آسیب، ۰/۴۷؛ انصاف، ۰/۵۰؛ وفاداری به گروه، ۰/۵۸؛ احترام به مرجعیت (اطاعت)، ۰/۶۶ و اخلاص (تقدیس) ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند. همچنین ضریب پایایی کلی این مقیاس در پژوهش سیفی‌قوزلو (۱۳۹۲) با استفاده از آلفای کرونباخ حدود ۰/۷۹ و همچنین خرده مقیاس‌های مراقبت/آسیب ۰/۵۸، انصاف (عدالت) ۰/۷۹، وفاداری به گروه ۰/۶۱، احترام به مرجعیت ۰/۷۰ و خلوص ۰/۷۳ به دست آمده است.

پرسشنامه تحمل ناکامی: این پرسشنامه توسط هارینگتون[2] (۲۰۰۵) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۵ ماده است که چهار بعد عدم تحمل عاطفی؛ عدم تحمل هیجانی؛ پیشرفت و استحقاق را می‌سنجد. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر روی طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملا موافقم (۵)تا کاملا مخالفم (۱) قرار دارد. نمرات بالا نشان‌دهنده تحمل ناکامی کم شرکت کنندگان می‌باشد. نتایج تحلیل عاملی تاییدی نشان داده است شاخص‌های مقیاس تحمل ناکامی بر روی عوامل از قبل طراحی شده توسط هارینگتون (۲۰۰۵) بار عاملی بالاتر از ۰/۳۰ دارند و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبا برابر ۰/۰۴ است. بنابراین پرسشنامه با چهار عامل از برازش قابل قبولی برخوردار است. همچنین همبستگی خرده مقیاس‌های تحمل ناکامی با نمره کل مقیاس بالاتر از ۰/۳۸ و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشند (هارینگتون، ۲۰۰۵). این مقیاس در ایران توسط نبی‌زاده و لیاقت (۱۳۹۸) مورد روانسنجی قرار گرفته است. در مطالعه آنان ضریب آلفای

[1] . Moral foundation questionaire
[2] . Harrington

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.10.12.3]

کرونباخ برای کل پرسشنامه و مولفه‌های آن به ترتیب برای تحمل عاطفی، عدم تحمل‌هیجانی، پیشرفت و استحقاق برابر ۰/۹۰، ۰/۸۹، ۰/۷۳، ۰/۷۵ و ۰/۸۵ گزارش شده است. همچنین بیان کردند که پرسشنامه از چهار عامل عدم تحمل عاطفی، عدم تحمل ناراحتی، پیشرفت، و شایستگی اشباع شده و ترکیب خطی حاصل از۴ عامل بالای ۵۰ درصد ازواریانس پرسشنامه را تبیین می کنند. همچنین ضریب همبستگی این مقیاس را با پرسشنامه ادراک منفی از استرس بین ۰/۲۳ تا ۰/۷۵ و با ادراک مثبت از استرس بین ۰/۱۳۶ تا ۰/۳۰۸ گزارش کردند (نبی زاده و لیاقت، ۱۳۹۸). در این پژوهش نمره کل ملاک قرار گرفت.

مقیاس تجدید نظر شده سازگاری دو نفره[1]: این مقیاس مشتمل بر ۱۴ سؤال بوده و یک ابزار خوبی برای اندازه گیری کیفیت سازگاری و رضایت زناشویی بر اساس مقیاس ۳۲ آیتمی سازگاری دو نفره اسپانیر[2](۱۹۷۶) است. این مقیاس یک نمره کلی (در دامنه نمره ۰- ۶۹) و چهار نمره برای خرده مقیاس های توافق دونفره[3]، ابراز عاطفه[4]، رضایت دو نفره[5] و انسجام دو نفری[6] به دست می‌دهد. ضرایب آلفای کرونباخ این آزمون برای کل مقیاس ۰/۹۰، و برای خرده مقیاس‌های توافق دونفری، رضایت دو نفری و انسجام دو نفری به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۵ و ۰/۸۰ گزارش شده است (بوسبی[7] و همکاران، ۱۹۹۵). این آزمون با نمره برش ۴۸ زوج های درمانده و ناراضی را از زوج‌های غیر درمانده و عادی متمایز می‌کند. این مقیاس در ایران توسط یوسفی (۱۳۹۰) مورد روانسنجی قرار گرفته است. در مطالعه یوسفی (۱۳۹۰) نتایج به دست آمده از روش تحلیل عاملی به شیوه چرخش متمایل، سه عامل کیفیت زناشویی (توافق، رضایت، انسجام) را در جامعه ایرانی نشان داد و با تحلیل عامل تاییدی آنها برازش شدند. ضرایب پایایی همسانی درونی از جمله آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب برای مولفه توافق برابر ۰/۸۲، ۰/۸۲، مولفه رضایت ۰/۸۳، ۰/۸۱ و مولفه انسجام ۰/۸۶، ۰/۸۷ به دست آمد. همچنین، ضرایب روایی همگرا کیفیت زناشویی با پرسشنامه رضایتمندی زناشویی، پرسشنامه ارزیابی همبستگی زوجین، مقیاس سازگاری توافق دو نفری به ترتیب (۰/۳۹، ۰/۳۶، ۰/۳۳) بدست آمد (یوسفی، ۱۳۹۰). در این پژوهش نمره کل ملاک قرار گرفت.

یافته‌ها

براساس یافته‌های پژوهش میانگین سنی زنان مورد مطالعه ۳۱/۵۷ با انحراف معیار ۳/۴۹ بود. همچنین کمترین فراوانی زنان مورد مطالعه دارای تحصیلات دیپلم (۱۳/۰۸ درصد) و بیشترین فراوانی دارای تحصیلات لیسانس (۵۷/۶۲) بودند.

جدول (۱): شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش و نتایج آزمون کولموگروف -اسمیرونف

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کولموگروف - اسمیرونف	سطح معناداری
سازگاری زناشویی	۵۸/۶۷	۸/۸۶	۱/۳۰۹	۰/۰۸۳
تحمل ناکامی	۱۰۵/۲۸	۲۱/۳۷	۱/۰۱۵	۰/۰۹۷
مراقبت / آسیب	۲۱/۳۵	۴/۱۶	۰/۹۴۷	۰/۴۱۵
انصاف و بی‌طرفی	۲۲/۱۹	۴/۸۲	۰/۹۱۱	۰/۴۲۸
وفاداری	۲۵/۳۴	۵/۳۰	۱/۱۲۵	۰/۱۰۴
احترام	۲۴/۶۴	۵/۱۲	۱/۳۲۰	۰/۷۹
اخلاص و تقدس	۲۳/۷۵	۴/۸۵	۰/۹۱۵	۰/۴۲۱

جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار سازگاری زناشویی، تحمل ناکامی و بنیان‌های اخلاقی ارائه شده است. همچنین نتایج آزمون کولموگروف -اسمیرونف حاکی از نرمال بودن توزیع نمرات متغیرها است (P>۰/۰۵).

1- Revised Dyadic Adjustment Scale (RDAS)
2- Spanier
3- dyadic consensus
4- affectioen expression
5- dyadic satisfaction
6- dyadic cohesion
7- Busby

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.10.12.3]

به منظور استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندگانه مدل ورود پیش فرض‌های آن مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور شاخص دوگانه هم‌خطی چندگانه یعنی شاخص توزیع واریانس(VIF) و شاخص تحمل (Tolerance) استفاده شد که در ادامه نتایج آن ارائه شده است.

جدول (۲): شاخص های هم‌خطی چندگانه متغیرهای پیش بین

متغیر / شاخص	مراقبت/آسیب	وفاداری به گروه	عدالت	احترام به مرجعیت	تقدس	تحمل ناکامی
VIF	۱/۷۲۹	۱/۶۴۱	۱/۵۴۳	۱/۵۸۳	۱/۶۷۴	۱/۶۴۶
Tolerance	۰/۹۵۲	۰/۸۵۰	۰/۹۰۳	۰/۸۴۹	۰/۹۳۰	۰/۹۰۳

جدول شماره ۲ نشان می دهد که پیش فرض هم خطی چندگانه متغیرهای پیش بین محقق شده است چرا که مقادیر VIF محاسبه شده در حد مطلوب (کوچکتر از ۲) قرار دارد و مقادیرTolerance متغیرهای پیش بین در حد مطلوب (نزدیک به عدد ۱) قرار دارند.

جدول (۲): ماتریس همبستگی بین بنیان‌های اخلاقی و تحمل ناکامی با سازگاری زناشویی

متغیرها	مراقبت	وفاداری به گروه	عدالت	احترام به گروه	تقدس	تحمل ناکامی	سازگاری زناشویی
مراقبت/آسیب	۱						
وفاداری به گروه	۰/۷۸**	۱					
عدالت	۰/۸۰**	۰/۷۶**	۱				
احترام به مرجعیت	۰/۷۴**	۰/۷۵**	۰/۷۹**	۱			
تقدس	۰/۷۶**	۰/۷۷**	۰/۷۸**	۰/۷۴**	۱		
تحمل ناکامی	۰/۲۷**	۰/۲۵**	۰/۲۰**	۰/۱۱*	۰/۱۴*	۱	
سازگاری زناشویی	۰/۵۴**	۰/۵۱	۰/۴۲**	۰/۴۴**	۰/۶۰**	۰/۵۹**	۱

** ضریب معناداری در سطح ۰/۰۱ * ضریب معناداری در سطح ۰/۰۵

براساس نتایج جدول شماره ۳ بین بنیان‌های اخلاقی و تحمل ناکامی با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (۰/۰۱ ≥p).

جدول (۳): نتایج تحلیل رگرسیون به منظور تعیین سهم بنیان‌های اخلاقی و تحمل ناکامی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی زنان متاهل

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیونی	۳۳۵۸۷/۸۱	۲	۱۶۷۹۳/۹۰	۷۵/۹۹	۰/۰۰۱
باقیمانده	۴۱۷۶۶/۷۷	۱۸۹	۲۲۰/۹۸		
کل	۷۵۳۵۴/۵۸	۱۹۱			
متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	وزن بتا	آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱۱/۸۷	۶/۱۶	-	۱/۹۷	۰/۰۸۶
مراقبت/آسیب	۰/۷۹۲	۰/۰۹۵	۰/۴۹۷	۴/۰۸	۰/۰۰۱
وفاداری به گروه	۰/۷۵۷	۰/۱۱۷	۰/۴۰۴	۳/۹۷	۰/۰۰۱
عدالت	۰/۶۰۹	۰/۱۰۸	۰/۴۱۸	۳/۶۱	۰/۰۰۱
احترام به مرجعیت	۰/۶۱۵	۰/۱۰۲	۰/۴۲۵	۳/۷۰	۰/۰۰۱
تقدس	۰/۸۰۱	۰/۱۵۰	۰/۵۱۰	۴/۲۱	۰/۰۰۱
تحمل ناکامی	۰/۷۷۳	۰/۰۸۷	۰/۴۳۸	۴/۱۶	۰/۰۰۱
R = ۰/۶۶۳	R^2 = ۰/۴۳۹	F=۱۷/۹۶۰		p< ۰/۰۱	

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.10.12.3]

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود میزان F مشاهده شده معنادار است(p< ۰/۰۱) و ۴۳/۹ درصد از سازگاری زناشویی توسط متغیرهای بنیان‌های اخلاقی و تحمل ناکامی تبیین می‌شود. با توجه به مقادیر بتا مراقبت/آسیب (β =۰/۵۰)، وفاداری به گروه (β =۰/۴۰)، عدالت (β =۰/۴۱)، احترام به مرجعیت (β =۰/۴۲)، تقدس (β =۰/۵۱) و تحمل ناکامی (β =۰/۴۳) درصد می‌توانند تغییرات مربوط به سازگاری زناشویی زنان متاهل را به صورت معنی داری پیش بینی کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش بنیان‌های اخلاقی و تحمل ناکامی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی زنان متاهل بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین خرده مقیاس‌های مراقبت/آسیب، وفاداری به گروه، عدالت، احترام به مرجعیت و تقدس با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته حاضر با یافته‌های وینریب (۲۰۰۶)؛ عصمت و حیدریان (۱۳۸۵)، قبادی و همکاران (۱۳۹۰)، بهمنی و همکاران (۱۳۹۰)؛ خسروی (۱۳۹۱)، کاریرو[1] (۲۰۱۱)، سیفی‌قوزلو و همکاران (۱۳۹۲)، مونک و همکاران (۲۰۱۴) و اورجیل و هیتون (۲۰۱۵) که نشان دادند خرده مقیاس‌های بنیان‌های اخلاقی با سازگاری زناشویی رابطه دارد، همخوان است.

در تبیین این نتیجه قابل بیان است که مطابق تعریفی که در روانشناسی معمول است رشد اخلاقی حاکی از جریان دستیابی به احساس عدالت در رابطه با دیگران، درستی و یا نادرستی این یا آن امر و چگونگی رفتار فرد در هر یک از این امور است. وینریب[2] (۲۰۰۶) مطرح می‌کند سازگاری در افراد دارای بنیان‌های اخلاقی سطح بالا وجود دارد. این افراد حقوق دیگران را رعایت کرده و برای آنها احترام قائل هستند (مرتبط با مولفه احترام)، بهزیستی همه افراد و منافع گروهی و جمعی این افراد ملاک عمل است (مرتبط با مولفه انصاف) و این امر باعث می‌شود که آنها هنجارهای زندگی زناشویی را رعایت کرده و از رفتارهای ناسازگارانه بپرهیزند. به طور کلی قابل بیان است که هر یک از مولفه‌های بنیان‌های اخلاقی در ارتباط زوجین باهم تأثیرگذار است. خرده مقیاس‌های بنیان‌های اخلاقی از جمله تقدس می‌تواند به رهاسازی افراد از افکار خودکار، عادت‌ها و الگوهای رفتاری ناسالم کمک کند و از این‌رو نقش مهمی در تنظیم رفتاری دارد و به افزایش سازگاری زناشویی کمک می‌کند. نظریه بنیان‌های اخلاقی تلاش می‌کند تا بسیاری از ابهامات در نگرش‌های افراد را حل نماید. در این راستا، این نظریه با مشخص کردن مجموعه‌ای از تمایلات روان‌شناختی که با ارزیابی‌ها و قضاوت‌های اخلاقی ارتباط نزدیکی دارند سعی می‌کند پارامترهای درونی زندگی انسان‌ها را مشخص سازد. این مؤلفه‌ها همچنین به زوجین کمک می‌کند تا تفاوت در سلیقه‌های خود را بپذیرند و با آن سازگار شوند، روابط مناسبی با اقوام و دوستان داشته باشند و همچنین بتوانند تعارضات بین خود و همسر را به خوبی حل کنند، و بالأخره روابط رضایت بخشی داشته و سازگاری زناشویی بیشتری داشته باشند (گیلفورد و آینگار، ۲۰۱۵). در واقع وجود بنیان‌های اخلاقی هستند که به موجب آن زوجین در قبال یکدیگر احساس تعهد، مسئولیت‌پذیری، دوستی و انعطاف‌پذیری می‌کنند، که این عامل رضایت زناشویی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که بین تحمل ناکامی با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌ای که به طور مستقیم بتوان یافته حاضر را با آن مقایسه نمود، یافت نشد ولی به طور کلی می‌توان یافته حاضر را با نتایج مطالعات گوئل و همکاران (۲۰۱۳)، انتظاری و همکاران (۱۳۹۴) و انصاری و حسن (۲۰۱۶) همخوان دانست. مطالعه انصاری و حسن (۲۰۱۶) نشان داده است که تحمل ناکامی می‌تواند واریانس قابل توجهی را در مورد سازگاری زناشویی تبیین کند. در تبیین این یافته پژوهشی می‌توان گفت که بر اساس دیدگاه انعطاف‌ناپذیری روانشناختی ناکامی و عدم تحمل آن به عنوان یک مشکل باعث می‌شود که زوجین پاسخدهی ناکارآمدی نسبت به ناکامی داشته باشند. سبک پاسخدهی افکار ناکارآمد باعث چسبیدن به خود مفهوم‌سازی شده (بد شانسم، من چه گناهی کرده‌ام؟ و...) و تمرکز بر مشکلات و ایجاد آمیختگی شناختی (باورپذیری افکار منفی و قبول افکار به عنوان واقعیت) و دوری از موقعیت‌ها، عدم ارتباط با دیگران، نداشتن شادی و تفریح که باعث اجتناب تجربه‌ای و به صورت موقّت می‌شود. همچنین عدم توجه آگاهی (آینده‌نگر یا گذشته‌نگر شدن ذهن، دنبال علّت گشتن در گذشته) که باعث ایجاد افکار و احساسات ناخوشایند و افزایش نگرش‌های ناکارآمد و عدم پذیرش مشکلات خواهد شد. در نتیجه تمرکز بر مشکل و ایجاد آمیختگی شناختی موانع مهمی برای حرکت در جهت ارزش‌ها می‌شود و باعث مشخص نبودن ارزش‌های زوجین در حیطه‌های ارتباط زناشویی، رشد شخصی، سلامتی خواهد شد. در تبیینی دیگر می توان بیان نمود که تحمل ناکامی نقش محوری در جهتدهی به تلاش‌ها و اقدامات دارند. فقدان تحمل ناکامی باعث ایجاد رفتارهای ناکارآمد (نداشتن ارتباط مناسب با همسر،

[1] . Carriero
[2] . Wainrybe

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.10.12.3]

نداشتن مهارت‌های زناشویی مناسب) می‌شود و همین باعث کناره‌گیری، اضطراب، انعطاف‌ناپذیری روانشناختی و احساس مضاعف ناکامی می‌شود؛ اما زانی که زوجین دارای تحمل ناکامی باشند، می‌توانند با انعطاف بیتشری با مسائل و مشکلات زندگی و زناشویی برخورده کنند، که این عامل می تواند موجب افزایش رضایت زناشویی در آنان گردد.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که بنیان‌های اخلاقی و تحمل ناکامی می‌توانند پیش‌بینی کننده سازگاری زناشویی باشند و تحمل ناکامی پیش‌بینی کننده قوی‌تری برای سازگاری زناشویی است. یافته حاضر با یافته‌های تاشک و همکاران (۱۳۹۴)، انتظاری و همکاران (۱۳۹۴)، خجسته و همکاران (۲۰۱۵)، عابدی و شاکردولق (۱۳۹۶) و انصاری و حسن (۲۰۱۶)، همخوان است. خجسته[1] و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیق خود نشان داده‌اند که رابطه مثبتی بین ادراک رفتارهای فداکارانه با کیفیت زندگی زناشویی وجود دارد. در تبیین این یافته پژوهشی می‌توان گفت که افرادی در نظام خانواده دارای سازش یافتگی بالا هستند که بتوانند به اقتضای موقعیت‌های مختلف، عواطف و هیجان‌های خود و اعضا را درک کرده و به دور از مسائل سطحی، ظاهری و منافع شخصی با آنها رفتار کنند. در هر عرصه‌ای که انسان دست به رفتار و فعالیت می‌زند، بدون تردید اخلاق و ارزش‌های اخلاقی سهم قابل توجهی را در جهت‌دهی رفتار وی ایفا می‌کنند. از نگاه دیگر، هرگاه انسان در عرصه زندگی با تصمیم‌گیری مواجه می‌شود، معیارها و بنیان‌های اخلاقی می‌توانند تکیه‌گاه‌های نیرومندی برای تصمیمات نهایی اتخاذ شده باشند (موریس و مک‌دونالد، ۱۹۹۵؛ سیفی‌قوزلو و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین با توجه به تأثیر چشمگیر و گسترده ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی در زندگی انسان‌ها وجود چنین ارتباط مثبتی بین این دو مؤلفه تأثیرگذار با رضایت زناشویی زوجین را می‌توان تبیین نمود.

همچنین می‌توان گفت اخلاق یک مؤلفه بسیار قوی برای پیش بینی سازگاری زناشویی است و این موضوع در جامعه ما به دلایل فرهنگی و تأثیر آموزه‌های عمیق مذهبی مصداق دارد. در فرهنگ اسلامی-ایرانی کشورمان زوجین ارتباط تنگاتنگی با خانواده و والدینشان دارند. باورها، اعتقادات و توقعاتی که در این روابط شکل می‌گیرند بر احساسات و هیجانات افراد و روابطی که خواهند داشت، تأثیر می‌گذارد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین در بعد اخلاقی تقدس و عدالت که به اخلاق فردی و بعد خلوص که به اخلاق معنوی و الهی مربوط می‌شود، در این زمینه جامعه ما به دلیل داشتن عقاید عمیق مذهبی، تحت تأثیر ویژگی‌های اخلاقی از قبیل عدالت و انصاف، نجابت، پاکی، عفت و پاکدامنی است.

پژوهش حاضر مانند اکثر پژوهش‌هایی که در علوم رفتاری صورت می‌گیرد با محدودیت‌هایی همراه بود که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: با عنایت به اینکه تمهیداتی جهت جلب اعتماد زنان متاهل صورت گرفت و اصل رازداری رعایت می‌شد با این وجود جهت گردآوری داده‌ها و کسب اطلاعات نگرانی‌هایی از جانب آنها احساس می‌شد و این مساله روند اجرایی پژوهش را دشوار ساخت و از این لحاظ میزان دقت و صحت پاسخ‌های آزمودنی‌ها قابل کنترل پژوهشگر نبود. همچنین، وجود برخی جنبه‌های خصوصی زوجه در پرسشنامه سازگاری زناشویی، موجب شد تا بسیاری از زنان متاهل به سوال‌های مربوطه به آن پرسشنامه پاسخ نداده و پژوهش با کاهش حجم نمونه همراه شود. از این‌رو به محققین آینده پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی از مطالعات طولی و روش‌های کیفی نیز استفاده شود. همچنین با توجه به تک جنسی بودن نمونه‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری با نمونه مذکر و با در نظر گرفتن سایر عوامل موثر بر سازگاری زناشویی انجام شود. همچنین در تحقیقات بعدی تاثیر مولفه‌هایی چون مدت ازدواج، سن زوجین، تحصیلات، تعداد فرزندان نیز مد نظر قرار بگیرد و زوجین از حیث این متغیرها مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرند و جهت بالا بردن میزان تعمیم پذیری این پژوهش، در مناطق مختلف شهر تهران، دیگر استان‌ها و شهرها انجام شود. در نهایت امید است تا نتایج تحقیق حاضر در امر مشاوره پیش از ازدواج و حتی بعد از ازدواج و در جهت راهنمایی‌های زوجین و افزایش بینش و بصیرت آنها، بتوانند به کمک مشاوران و روانشناسان و سایر متخصصان حوزه سلامت روان در امر مشاوره خانواده و برگزاری کارگاه‌های آموزشی و تخصصی کاربرد داشته و آگاهی‌های سرنوشت‌سازی برای مراجعین قبل از ازدواج ایجاد کنند. همچنین فرصتی را برای همسران ناسازگار برای شناختن هرچه بیشتر همدیگر و پرهیز از تصمیم عجولانه دربارۀ طلاق فراهم آورند.

منابع

اخلاقی‌فرد، م؛ تاری‌مرادی، آ؛ معراجی، ن و جعفرزاده‌داشبلاغ، ح. (۱۳۹۹). اثربخشی معنویت درمانی بر سازگاری زناشویی و ابعاد آن در زنان دارای روابط خانوادگی آشفته. *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۳(۲۶)، ۱۵۰-۱۴۱.

[1] . Khojasteh

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.10.12.3]

انتظاری، س؛ الیاسی، ف و سوادکوهی، ف (۱۳۹۴). *رابطه علی متغیرهای رضایت زناشویی، تحمل ناکامی، تنظیم هیجانی، کمالگرایی و هدف از زندگی در طلاق*. کنفرانس بین المللی مدیریت و علوم انسانی. امارات-دبی.

جعفرزاده داشبلاغ، ح و همتی، ب. (۱۳۹۵). *مقایسه همجوشی شناختی و خودشفقتی در زوجین با و بدون مشکلات سازگاری*. سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، تربت حیدریه، دانشگاه تربت حیدریه، ایران.

خادمی، ع؛ کتیبائی، ژ و دلاور، ع. (۱۳۸۸). رابطه تحول اخلاقی با سازش یافتگی در نوجوانان. *فصلنامه روانشناسی*، ۱۳(۳)، ۷۲-۶۴.

خسروی، ف. (۱۳۹۱). *کارکرد اصول اخلاقی و حقوقی اسلام در پیشگیری و حل اختلافات رفتاری زوجین*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قرآن و حدیث.

خلیل‌بند، پ. (۱۳۹۲). *بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و شوخ‌طبعی با سازگاری زناشویی زوجین در شهر شیراز*. دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

دارابی، س؛ کاظمی‌اصل، م و مسعودی، م. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری زناشویی. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۴(۳)، ۱۵-۲۴.

درویزه، ز و کهکی، ف. (۱۳۸۷). بررسی رابطه سازگاری زناشویی و به‌زیستی روانی. *مطالعات زنان*، ۶(۱)، ۶۷-۶۰.

رحیمی، ن و افشاری‌نیا، ک. (۱۳۹۶). پیش‌بینی سرسختی روانشناختی بر اساس میزان تمایزیافتگی و تحمل ناکامی در سالمندان. *مجله روانشناسی پیری*، ۳(۲)، ۴۱- ۴۹.

زهراکار، ک و لواف‌پورنوری، ف. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی زوج درمانی شناختی (CCT) در ارتقاء سطح سازگاری زناشویی دانشجویان متاهل. *دوفصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۴(۲)، ۱۲۹-۱۲۰.

سیفی‌قوزلو، س.ج. حمیدی، ا. شریفی، گ و خلیلی، ش. (۱۳۹۲). رابطه بین اخلاق، ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی در بین زوجین در شهر مغان. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۵(۱)، ۷۵- ۸۳.

عابدی، ز و شاکردولق، ع. (۱۳۹۶). مقایسه خودبازداری، بنیان‌های اخلاقی و جهت‌گیری زندگی در والدین سازگار و ناسازگار کودکان آموزش‌پذیر کم توان ذهنی. *فصلنامه کودکان استثنائی*، ۶(۱)، ۴۰-۳۲.

عباسی، ح؛ کریمی، ب و جعفری، د. (۱۳۹۵). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر تحمل ناکامی و نگرش‌های ناکارآمد مادران دانش‌آموزان با کم‌توانی ذهنی. *فصلنامه روانشناسی افراد استثنایی*، ۶(۲۴)، ۶۳- ۷۴.

نبی زاده، ه و لیاقت، ر. (۱۳۹۸). *بررسی ویژگی های روان سنجی پرسش نامه تحمل ناکامی و رابطه آن با استرس ادراک شده در دانش آموزان دختر متوسطه اول شهر تهران*. ششمین کنفرانس بین المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم اجتماعی و علوم تربیتی و روانشناسی، اصفهان.

نجات، پ و حاتمی، ج. (۱۳۹۸). ویژگی‌های روانسنجی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه ی بنیادهای اخلاقی در سه نمونه‌ی ایرانی. *شناخت اجتماعی*، ۸(۱)،۱۲۴-۱۰۷.

یوسفی، ن. (۱۳۹۰). بررسی شاخص های روان سنجی مقیاس کیفیت زناشویی، فرم تجدید نظر شده(RDAS) . *پژوهش‌های روان شناسی بالینی و مشاوره (مطالعات تربیتی و روان شناسی)*، ۱(۲)، ۲۰۰-۱۸۳.

Ansari, SH. & Hasan. B. (2016). A Study of Frustration Tolerance of Marital Adjustment of Dual Career Couples with Special Reference to Higher Secondary Teachers of Chhattisgarh. *International Journal of Scientific & Engineering Research*, 7(12), 345-351.

Benjamin, R. & Thomas, N. (2020). Research on Marital Satisfaction and Stability in the 2010s: Challenging Conventional Wisdom. *Journal of Marriage and Family*, 28(1), 100-116.

Carriero, R. (2011), Perceived fairness and satisfaction with the division of housework in Italy. *Marriage & Family Review*, 24(1), 3-12.

Clifford, S. & Iyengar, V. (2015). Moral foundations vignettes: A standardized stimulus database of scenarios based on moral foun-dations theory. *Behavior Research Methods*, 47(4), 1178–1198.

Goel, Sh., Kaur Narang, D. & Koradia, K. (2013). study the marital adjustment, mental health and frustration reactions in different age groups of middle age. *International Journal of Scientific and Research Publication*s, 3(9), 1-8.

Gong, M. (2000). Does status inconsistency matter for marital quality? *Journal of Family*, 28(12), 152-161.

Graham, J., Haidt, J. & Nosek, B. A. (2009). Liberals and conservatives rely on different sets of moral foundations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 1029-1046.

Haidt, J. & Graham, J (2007). When morality opposes justice: conservatives have moral intuitions that liberals may not recognize. *Social justice Research*, 20, 98-116.

Harrington, N. (2005). The frustration discomfort scale: Development and psychometric properties. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 12(5), 374-387.

Huston, T.L. & Melz, H. (2004). The case for (promoting) marriage: The devil is in the details. *Journal of Marriage and Family*, 66(4), 943-958.

Khojasteh, M.R., Mahboobeh, K., & Shiralinia, K.H. (2015). Mediating role of spouse's perception of sacrificing behaviors in the relationship between attachment styles and marital quality. *Family psychology*. 1(2), 31-40.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.10.12.3]

Latifses, V., Estroff, D., Field, T., Bush, J. (2016). Fathers massaging and relaxing their pregnant wives lowered anxiety and facilitate marital adjustment. *Journal of Bodywork and Movement Therapies*, 9(1), 277-282.

Mikulincer, M. & Shaver, PR. (2018). *Attachment in adulthood*: Structure, dynamics, and change: Guilford Press.

Mondol, J. (2014). *Marital Adjustment: Extension of psychophysical well-being*. India: LAP Lambert Academic Publishing.

Monk J.K., Vennum, A., Ogolsky, B., & Fincham, FD. (2014). Commitment and sacrifice in emerging adult romantic relationships. *Marriage & Family Review*, 50(1), 16-434.

Orgill, J. & Heaton, T. (2015). Women's status and marital satisfaction in Bolivia. *Journal of comparative Family Studies*, 6(1), 652-659.

Spanier, G.B. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family*, 38, 15–28.

Wainrybe, C. (2006). *Socioemotional development in middle and late childhood*. Hill companies, Inc. www. karmengarret. com/ development.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.10.12.3]